

بسم الله الرحمن الرحيم

د. مولانا عبدالرحیم ملازاده

info@isl.org.uk

لندن-بریتانیا ۱۱/۹/۲۰۰۵م

۸/۷/۱۴۲۶هـ ق=۲۰/۶/۸۴هـ ش

همایش ختم بخاری در زاهدان و اظهارات منافقانه معمان سنی و شیعه (۲)

این رژیم آخوندی بذر ابن سبأ و ابن سلول^۱ و خون آشام ولایتی هر ساله مبالغ بسیار هنگفتی صرف فریب و خرید ملایان و مبلغان و احزاب و مدارس دینی و خود فروشانی از اهل سنت در جهان مینماید تا آنها را خریده و با مستأجران با اجر و بدون اجر داخلی نظیرشان- علاوه از مستضعفان زورکی- همصدا شده و باهم مشغول تجارت دین شوند، و انصار و اطلاعات ولایت فقیه نیز از آنان مجانی و غیر مجانی سواری گرفته و در راه نشر اسلام ناب که نمونه اش را در ظرف بیست و شش سال به ملت ایران نشان داده است بعنوان شاهد زور کمک میگیرد،

البته و صد البته با تمام دقت و گزینشی که سفارت های نظام در بیرون میکنند باز هم افرادی از غیور خارجی یافت شده که یکبار بیشتر دعوت آنها را نپذیرفته و باعث رسوایی نظام جهل و جور هم شده اند، که این افراد معمولاً در اقلیت میباشند،

اما نکته قابل توجه در این است که رژیم در مورد فریب و مغز شوئی مهمانان خارجی بیشترین نقش را به بعضی از معمان سنی که عاشق دنیا و ظهور و ابراز وجود بوده و در دین فروشی مهارتی هم کسب کرده اند محول نموده است، تا شاهدان زور داخلی برای بیرونیان باشند و در فریب مسلمانان و تحریف و تغییر وقائع و حقائق باهم شریک شوند تا وحدتی مورد ادعای خود و ابلیس را ایجاد نمایند،

بعنوان نمونه مهمان خارجی که معمولاً در کشورهای خودشان زیر فشار بوده و بی خبر از همه چیز- و بدور از مکر و تقیه نظام تقیه و دروغ- که وارد کشورش نموده و در بهترین و مجلل ترین هتل ها- معمولاً برای ایامی معدود- اقامت داده و جز سخنان زیبا از وحدت اسلامی با شکوه در کنفرانس های موسوم به وحدت اسلامی نمیشنود، که البته تماس با همین مهمان خارجی در همان کنفرانس و در

^۱ ابن سبأ: عبدالله ابن سبأ یهودی یمنی است که تظاهر به اسلام کرده توطئه امامت را برای اولین بار در اسلام و در قالب تشیع مطرح نمود و مدعی شد که امامت منصوص در یهودیت نیز برای آل هارون بوده است، و عبدالله ابن سلول سردسته منافقان در عهد رسول اکرم-ص- بود

داخل همان سالن آزاد نیست و باید از طریق حراست باشد، و معمولاً هم میسر نمیشود، یا بطور دقیق تا زمانی که اینجانب آنجا بودم چنین بود، و وقتی که این مهمان مغز شسته را که اگر از نظر آنها سرش به کلاهی بیارزد به مناطق سنی نشین برده و از بعضی از رهبران دین فروش سنی آنجا نیز جز همان یاوه ای را که نظام از آنها میخواهد نمیشنوند، بعنوان شاهد زوری-دروغین- به وطن خود عودت داده که بله ایران بهشت وحدت اسلامی است و اهل سنت آنجا نیز مشکلی نداشته و در کمال برادری با برادران شیعه خود بسر میبرند،

مخصوصاً که قبلاً نیز این آقا و امثالش بوسیلهء اکاذیب آن ملای دیگر سنی مشاور ریاست جمهوری و در سفرهایی متعدد که معمولاً بیشتر از اسفار این بطوطه بوده است، و هر بار مبلغی نیز بعنوان پول جیبی- که سابقاً ۵۰۰ دلار بود!- هم داده اند که بقول هادی خامنئی که ای آقا شما فقط بدرد مال جمع کردن میخوری، بارها و بارها در شرق و غرب جهان اکاذیبی را که نظام خواستار نشر آن بوده بنام وحدت اسلامی و در زیر چتر برادری و وحدت تا حدی تکرار نموده است که مهوع گشته است،

و همین مهمان کذائی که از ناکجا آباد آمده نمیداند که حتی مساجدی را که از اهل سنت در مناطق سنی نشین میبیند همه قبل از این انقلاب سیاه بنا شده و بعد از آن حتی اجازهء بنای يك مسجد و يك مدرسهء دینی- تا سال ۱۹۹۳ که من از ایران بودم- نیافته اند و دهها مسجد و مدرسه و... که مصادره و یا خراب شده اند^۲

البته عذر چنین چهارپایانی- با عرض معذرت- به هیچ وجه قابل قبول نیست، لیکن درد آورتر اینکه همین مساجد اهل سنت را که قبل از انقلاب هم بنا شده بعنوان تبلیغ و فریب سیاسی و مذهبی نظام و بوسیلهء آخوندهای شیعهء حاکم و مستضعفان- و یا عوام فریبان- سنی استفاده میشود، و کیست که بتواند اعتراض کند و الا مسیرش همان خواهد بود که علامه احمد مفتی زاده و مولانا عبدالملك ملازاده و شیخ صالح ضیائی و دکتر احمد میرین و دکتر عبدالعزیز کاظمی و شیخ قدرة الله جعفری و... دهها امثال آنها خواهد بود که این دین فروشان نه جرئت آنرا خواهند و نه آن راه بکارشان میآید،

و در این راستا است که از همایش ختم کتاب صحیح بخاری نیز عناصر مکار رژیم با وجودی که يك شاهی هم خرج نکرده بودند استفادهء لازم را نمودند و سایت مدرسهء دینی اهل سنت زاهدان- سنی اون لاین- نقل میکند که:

"حجة الاسلام و المسلمین مجتبی حسینی نماینده مردم سیستان و بلوچستان در مجلس خبرگان و نماینده رهبری در سوریه در سخنانی اتحاد و انسجام مسلمانان را مورد توجه قرار داد. و به نقش انقلاب اسلامی ایران در بیداری مسلمانان اشاره کرد و گفت: امروز آنچه در دنیا از مقاومت مسلمانان در رژیم صهیونیستی دیده می شود از اثرات انقلاب اسلامی است."

^۲ برای اطلاع بیشتر میتوانید به سایت ذیل به نوشتهء شهداء اهل سنت ایران مراجعه بفرمائید :

ما در این سخنان منافقانه چند ملاحظه داریم:

همچنانکه در مقاله سابق جنک القاب را مسخره دانستیم و لقب بزرگ شیخ الاسلامی را برای يك ملای عادى سنى منکر شدیم که ادب را رعایت کند و پارا از گلیم خود دراز تر ننماید و فریب ملا و ملا چه های ممتلق اطراف خود را نخورد، و بهمان اسم مولانا یا مولوی که معنای محبت و دوستی در آن بوده و رائج میباشد اکتفا نماید و از مولانا عبدالعزیز که مدعی ادامه راه اوست تواضع یاد بگیرد،

اینجا نیز متذکر میشویم که این القاب آیه الله و حجت الاسلام و ... نیز جعلی و توخالی است و برای فریب مقلدان زنجیر زن و روضه خوان بی عقلی است که عقل خود را به مرجعی فروخته اند که هم سر و کله و هم جیبشان را بنام امام زمانی که نبوده و نه هست خالی نموده است

بدور از این القاب توخالی و اینکه این آقایان نه حجت برای اسلام هستند و نه برای مسلمین برای اینکه قرآن میفرماید بعد از رسولان حجتی نیست، (رُسُلًا مَّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِنَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةً بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا) (النساء: ۱۶۵) پس بنا به صریح آیه بعد از انبیاء کسی حجت نیست،

۱- آیا واقعا بیداری اسلامی و بازگشت مجدد به دین نتیجه این انقلاب شوم و نافرجام است یا اینکه این انقلاب سیاه و عملکرد سردمدارانش سبب تاخیر این بیداری و نشر ترور و کشتار و کشاندن ارتش های غربی و آتش افروزی در منطقه شده است، مگر هاشمی رفسنجانی رئیس اسبق و ابطحی معاون رئیس سابق و ... نگفتند که اگر ایران نمیبود کابل و بغداد سقوط نمیکردند؟ آیا بیشرمی را از این هم بیشتر باید نمود؟

اگر این بیداری نتیجه این انقلاب شوم میباشد چرا مقلدان خرافی سابق آخوندیسم مکار دسته دسته از دین رمیده و مسیحی و یا بهائی و یا حتی زرتشتی و غالباً بیدین میشوند و علناً در کانال های تلوزیونی خارج برنامه دارند و مردم را برای خروج از اسلام دعوت میکنند،

و حتی سرشماری های رسمی خود همین نظام روزی روزگاری-عهد خاتمی فریب کار- نشان میداد که ۸۰ تا ۹۰% مردم نماز و دین را ترك کرده اند مگر آقای بازرگان بحق نگفت که ما گمان میکردیم که مردم بعد از انقلاب- (إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ) وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا) (النصر: ۱-۲) فوج فوج بسوی دین میآیند ولی برعکس شد و دیدیم فوج فوج از اسلام-بخوانید تشیع- خارج میشوند،

وبالاتر از این مگر اولین رئیس جمهور منتخب مردم ایران چکتر ابوالحسن بنی صدر بدرستی نگفت که اگر دشمنان اسلام دو قرن فعالیت میکردند که اسلام را در ایران و جهان بدنام کنند آنقدر که ما-البته قصد او عملکرد ملاتاریا است- بعد از انقلاب کردیم نمیتوانستند،

البته کسانی که از دین دکان درست کرده اند و نگهبانش را امامی تراشیده اند که روز بروز چاه عوض کرده و روزی برایش سرداب و روزی برایش چمکران

درست میکنند که گویا- آیه الله- سوسوکی ژاپنی است که با الکترون-ولی اینبار در زیر زمین و در میان چاههای سرداب و چمکران به نبرد سخت مشغول است، از این مکاران نباید انتظار حق و حقیقت داشت، و لهذا وحدت مورد ادعایشان هم مثل اسلام نابشان میماند که فقط برای سر بریدن خوبست چون مکتب سرخی است و نیاز بخون سرخ دارد و دروغ سیاه، ولی نیمدانند که رسول اکرم فرموده است که راستی و صدق نجات میدهد و دروغ و تقیه- به هلاکت میرساند،

اما راجع بوحدتشان که بوق و کرنا یشان به آسمان هم رفته است فقط این را عرض کنم وقتی که در يك کنفرانس بزرگ وحدت که قبلا بدان اشاره کردم در سال ۱۹۹۳ در زاهدان از این بنده خدا خواستند که حرف بزنم، و یا بیانیه نهائی کنفرانس را بخوانم که ابتدا امتناع کردم و بعد از اصرار مسئولین رفتم و این آیه را در رد يك معمم سنی خواندم که در رد ابن تیمه و برای ارضای نظام و اجامرش نفاق بخرج میداد خواندم"

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَفُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا) (يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا) (الأحزاب:-۷۰-۷۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا بترسید و سخن بصواب گوید، تا خدا اعمالتان را بصلاح آورد و گناهانتان را بیامرزد، هرکس از خدا و رسول او اطاعت کند بهره مند شده به بهره بزرگی ،

و بعد از آن خطاب به نظام و مسئولانش عرض کردم که شما که از وحدت حرف میزنید در این هفده سال-آنموقع- برای وحدت واقعا چه عملی انجام دادید؟ مگر رسول اکرم نمیفرماید که خداوند به سخنان-ادعاهای- و ظاهر شما نمینگرد بلکه به کردار و قلب-نیت- هایتان نظر دارد، و بعد هم بندی را که بدون موافقت و بدون اطلاع علماء اهل سنت و بنام آنها در بیانیه اضافه کرده بوند که يك حدیث جعلی بود که "من شهر علمم و علی در بان اوست" نقد کردم که اول این جعلی است و ثانيا هیچکس در کنفرانس آنرا اصلا مطرح نکرده که بنام ما ارائه شود،

طولی نکشید که به دستور اطلاعات و مقامات امنیتی و کشوری استان و غیر استان چر همان جلسه و چر مقابل بیشتر از چند صد معمم شیعه و سنی تقیه را کنار زده و دستور دادند که از سخن باز ایستم، که عرض کردم من از اول نخواستم و شما تقاضا کردیم و بعد بیانیه را انداخته و توقف نمودم، که صد البته آخوند چند چهره ای، بنام ناصر مکارم شیرازی فرصت را از دست نداده و اظهار داشت که بله آزادی را ببین که فلانی هم نظرش را بیان داشت، اما آنجا که دستور توقف از سخن صادر شد کر بود و نمیخواست بشنود و ببیند! البته بعد هم یکی از سربازان گمنام همان بینام و نشان که نام بردنش را هم حرام میدانند تا کسی بسراغش نرود، در ادامه همان کنفرانس گفت که این کارها برایت گران تمام میشود چون شما خواستار وحدت نیستید!! این هم منطق و آن هم عملکردشان برای وحدت اسلامی، آیا این وحدت درست مثل شعارهای فرامانسوری در باره آزادی و برادری و

اخوت فریبنده نیست؟ و الآن این استادان گوبلز-وزیر ارشاد هتلر- آیا باور ندارند که دروغ هر قدر بزرگتر باشد شیرین تر است؟
 اما یاوه دیگر این جوجه حجت آن حجتی که برای وجود خودش هیچ حجتی نیست که مدعی است " امروز آنچه در دنیا از مقاومت مسلمانان در رژیم صهیونیستی دیده می شود از اثرات انقلاب اسلامی است"

خب جناب حجت اگر شما خدای نکرده دروغ ابلیسی نمیفرمائید پس چرا نوچه ها و دست پروردگان و احزاب ساخت ولی فقیه شما با همان صهیونیست ها و موساد و سیا که همیشه برای فریب مقلدان ساده به آنها فحش میدادید اینبار علنا همکاری نموده و بجای اینکه قبلا در ظرف هشت سال جنگ ابلهانه شعار میدادید که راه قدس از کربلا میگذرد، ولی باز هم مثل همیشه برعکسش نموده و راه اصلی خودتان را طی نمودید و از راه قدس به کربلا آمدید، و در عوض این همکاری مخلصانه با بردران سیا و موساد هم جایزه در یافت داشتید که سر بلندی حزب خودتان در لبنان بود که از او قهرمانی شکست ناپذیر جلوه دادند و اسرهای فلسطینی را به رخ ماهش بخشیدند، از این جایزه هم بهتر، قهرمان سازی مضحکانه،

یعنی با همکاری علنی سیا و موساد و ارتش آمریکا آنجا تشریف بردید و وقتی که به گنبد و قبر منسوب به حضرت علی که گوش تاریخ را به ادعای محبت او کر نموده اید نه اینکه به رگ غیرتتان نخورد بلکه به حزب وحدت و مجلس اعلی و اسفل خود دستور طاعت دادید که فرصت تترار و طوسی-این بار سیستانی و خامنئی- برای حکومت اهل بیت -البته اهل بیت و شیعیان بوش فرا رسیده است، و فرصت را از دست ندهید که رأی ندادن به چنین حکومتی بقول آیه الله سوسوکی - سیستانی- جنگ با ولایت علی است! و جایش جهنم! و باز هم مدعی است که در سیاست دخالت نمیکند! اگر چه قبر منسوب به علی را هم از ریشه تیشه کنند چون برایشان حقیقت قبر مهم نیست بلکه تجارت به اسم آن مهم است، و الا این قبر اصلا از مغیره بن شعبه است که به پیشنهاد او یزید ولی عهد شد و قبراز علی، علیه السلام نیست،

دقت میفرمائید که شیعیان-پیروان- ابن سبأ چگونه بر حسب شرایط زمان اجتهاد میفرمایند و زمانی شیعهء مغول و تترار شده و الان شیعهء بوش و شارون، البته باز هم برطبق شرایط زمان اجتهاد نموده و اشکالی ندارد که ظاهرا چند فحش بی اثر به امریکا داده شود و جنگ زرگری از فردای انقلاب را ادامه بدهند،

و الا کدام عاقل است که باور کند در زمانی که بیشتر از هفتاد هزار زندانی مسلمان از سراسر جهان از جاکارتا تا امریکا در زندانهای معلوم و مجهول رهبر صلیبیان راستگرای جهان باشد، و بوش با تمام قدرتش حتی افراد فعال و جمعیت های خیریه و مدارس دینی و... همهء زیر بنای فکری و مادی مسلمانان را به بهانهء تروریسم هدف گرفته باشد، باز هم یکنفر آری یک نفر فعال مذهبی آخوند و غیر آخوند شیعه چرا سراسر جهان نه اینکه اندک آسیبی ندیده بلکه با کمال آزادی در خود امریکا دارای کانال تلوزیونی بوده و مشغول تبلیغ برای اهل بیت-بوش- و خود میباشند،

اما هر فعال مسلمانی را بنام اصول گرایی-یعنی در واقع فهم و تقید به دین- حتی از اروپا هم دارند اخراج میکنند، یعنی درست مثل ولی فقیه که از مردم خواست مسلمان باشند ولی وقتی که به اسلام عمل کردند نتیجه اش بلاهایی بود که بر سر گنجی و آقاجری و غیره در آوردند و میآورند، الان گویا آقای بلیر-که مثل یک امپراتور- نیز از بازی دموکراسی سابق پشیمان شده و هرکسی را که بنا بقانون خودشان پناه داده اند و به او گفته اند که شما در مهد آزادی آمده اید و هر چه دل تنگتان میخواهد بگویید، اما الان مدعی است که بازی را عوض کرده و هرکس را که سالها قبل نفس مذهبی کشیده بر طبق مصلحت و منفعت باید نه اینکه بیرون کرد بلکه به کشورش باید تحویل داد، و دل آن اسلام ستیز کذاب و مفتری در برنامه سرزمین جاوید خوش که دیگر نیازی تهمت پراکنی در راست و چپ در برنامه خودش ندارد و چون از جواب دادن عاجز است تهدید به وکیلانی نماید که در لندن هستند که بله این آقا از القاعده و طالبان است! و مزاحم ما است یعنی ما نمیتوانیم جوابش بدهیم شما کارش را بسازید،

آری مدعیان روشنفکری این قوم مغ زاده درست مثل مدعیان اسلامی آن هستند و وقتی که قافیه شان تنك میآید همهء ادعاهای دموکراسی و اسلام نابی خود را بکلی فراموش میکنند و دست به شمشیر میبرند و ناب و نیش ظاهر میکنند،

در یکی از مراسم سابق مثل دههء فجر-زجر و ضجر- بود که مهمانان زیادی از داخل و خارج دعوت کرده بودند که بعد از رفتن آنان مسجد شیخ فیض را خراب کردند و بعد هم منتشر نمودند که اینجا اصلا مسجدی وجود نداشته بلکه باغی بوده است که ما آنرا تجدید میکنیم، و کساتی را که روز بعد از آن در مسجد مکی زاهدان اعتراض کرده بودند در داخل مسجد به رگبار بستند و در روزنامه هایشان منتشر نمودند که قاچاق فروشان در مسجد تجمع نموده که سربازان مجهول آن مجهول وارد عمل شدند، البته آن مهمانان مبارك هم مشغول نشر وحدت در دنیا شدند و بعد از آن حادثهء ویران نمودن مسجد باز هم بعضی از معلمان سنی را برای نشر همان وحدت در همان روزها طبق معمول به بیرون فرستادند،

الان که یکی از سربازان سینه چاق آن مجهول بریاست رسیده است نوبت کیست و چیست؟

در نوشتهء بعدی بخواست و توفیق الهی نفاق های دیگری را ولی این بار از معلمان سنی نقد خواهیم نمود
....ادامه دارد